

آسیب شناسی و تبعات منفی طلاق و فروپاشی خانواده در جامعه

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۳/۲۸)

امین الله قاسمی

چکیده

در کنار مسایل مبتلا به نهاد خانواده در شرایط فعلی از جمله افزایش سن ازدواج و عدم تمایل به ازدواج که نوعی تهدید علیه کیان خانواده می باشد، طلاق نیز از جمله آسیب های اجتماعی است که در اغلب جوامع رو به رشد قابل مشاهده است. از هم پاشیدگی خانواده ها، بجا ماندن فرزندان این خانواده ها یا همان "فرزندان طلاق" که آنان نیز دچار مشکلات و کاستی هایی مختص بخود می شوند و نیز کمرنگ شدن محبت و عاطفه در میان اعضای خانواده و افزایش بزه در نوجوانان و جوانان از جمله مسایلی است که در قرن اخیر گریبانگیر بسیاری از جوامع انسانی شده است. به عقیده کارشناسان پدیده طلاق وضعیتی در نقطه مقابل پدیده ازدواج است به شکلی که آثار مخرب و ویرانگر آن حتی در روند و پروسه ازدواج و نرخ جمعیتی در جامعه نیز تاثیر گذار است. در همین رابطه به نظر آنان از عوامل مهم در کاهش میل ازدواج و تشکیل خانواده در جوانان، افزایش آمار طلاق و از هم پاشیدگی کانون گرم و صمیمی خانواده در یک جامعه می باشد. در نظر صاحب نظران طلاق یک پدیده چند بعدی است که مهمترین عامل وقوع آن عدم تفاهم بین زوجین است. کارشناسان معتقدند افزایش آمار طلاق در جوامع در حال توسعه از جمله آسیب هایی است که بروز آن طبیعی است اما افزایش بی رویه آن می تواند بسیار خطرناک و در جهت تضعیف کامل بنیان های خانواده پیش برود. متأسفانه انسجام و همبستگی خانواده های قدیم که نمونه هایی از آن هنوز قابل مشاهده است در زندگی زوج های جوان به سختی یافت می شود و یا اصلاً وجود ندارد. اغلب کارشناسان و صاحب نظران اجتماعی بر این باورند که عواملی مانند فشارهای اقتصادی و بالا رفتن هزینه های زندگی، فشارهای روانی، عدم داشتن تفاهم، اعتیاد، بالا رفتن توقعات زوجین، ازدواج بخاطر

ظواهر، در مواردی عدم تناسب تحصیلات زوجه با زوج و دیگر عوامل در بروز این پدیده رو به افزایش نقش دارند.

واژگان کلیدی: طلاق، ازدواج، فروپاشی خانواده، فرزندان طلاق، آسیب شناسی طلاق

بخش اول: طلاق و بزهکاری

در مورد ارتباط بین طلاق و بزهکاری در فصلنامه ندای اصلاح تأکید شده است که طلاق یکی از عوامل بزهکاری در کودکان است (طلاق به معنای حقوقی ، یعنی جدایی قانونی یک زوج) طلاق را باید در بعد وسیع تری دید که ممکن است چند حالت داشته باشد و نهایتاً قطع رابطه ی زوجیت است که بعضاً در یک زندگی پرتشنج ، جدایی والدین می تواند در محیطی که هنوز از هم جدا نشده اند ، صورت بگیرد . اختلافات خانوادگی ، دعوا ها ، برخورد ها و توهین ها ، محیطی ناامن برای طفل به وجود می آورد . محیطی که طفل را وادار می کند از خانه فرار کند و به جایی پناه ببرد . کجا ؟ برایش مهم نیست . دنبال یک مسکن می گردد . یک محل ، یک مأمن و از آن جا که این طفل با توجه به شرایط زندگی و خانوادگی آن زمینه های مثبت را کم تر داشته ، مسلماً به سمت بزهکاری کشیده می شود . بنابراین ما غیر از طلاق می توانیم جدایی اخلاقی و عدم تفاهم والدین را هم نوعی جدایی تلقی کنیم . بعضی والدین وجود دارند که با هم زندگی می کنند ، اما عملاً از هم جدا هستند. مساواتی آذر هم به ارتباط بین طلاق و قربانی شدن کودکان چنین اشاره می کند که به نظر جامعه شناسان طلاق به مثابه ی یک بمب اتمی است . وقتی ما از جنگ جهانی که از حادثه های مهم و تلخ تاریخ اجتماعی به شمار می رود صحبت می کنیم ، از تبعید ها و از دست دادن والدین حرف می زنیم و از میدان مبارزه و مقاصد طرفین جنگ سخن به میان می آوریم ، در واقع می گوئیم که این تنها مرد ها نیستند که در جنگ کشته می شوند یا تبعید می گردند ، بلکه زنان و نوجوانان و کودکان تازه به دنیا آمده هم نابود می شوند یا گرفتار می گردند.